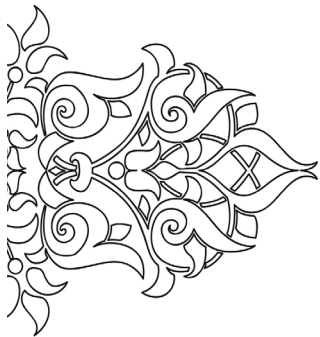
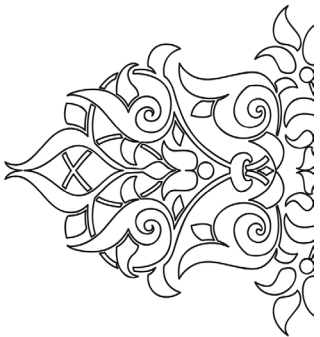




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ

(نامه ۳۱ نهج البلاغه)



تفسیر روایی آیات منتخب

ویژه‌ی دوم دبستان

منطبق با کتاب درسی

آیه	تفسیر
بخوانید آنچه از قرآن که برایتان میسر است	امام رضا علیه السلام فرمودند: فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَ صَفَاءُ السَّرِّ. «هر اندازه میسر گردید قرآن بخوانید» گفت: هر اندازه که با آن برای شما خشوع دل و صفای باطن پدید آید. فقه القرآن / ج ۱ / ۱۲۷
	امام صادق فرمودند: ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِلَى قَوْلِهِ: وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ. سه چیز پیش خدای عز و جل شکایت کنند. ... قرآنی که به گوشه آویخته‌اند و غبار بر آن نشسته و در آن قرائت نمی شود. الکافی / ج ۲ / ۳۱۶

فِي رَوَايَةٍ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ - أَنْكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلثِي اللَّيْلِ - وَنُصْفُهُ وَثُلُثُهُ فَفَعَلَ النَّبِيُّ ص ذَلِكَ - وَبَشَّرَ النَّاسَ بِهِ فَاشْتَدَّ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ - وَقَوْلُهُ عِلْمٌ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ وَكَانَ الرَّجُلُ يَقُومُ وَلَا يَدْرِي - مَتَى يَنْتَصِفُ اللَّيْلُ وَمَتَى يَكُونُ الثَّلَاثَانُ - وَكَانَ الرَّجُلُ يَقُومُ حَتَّى يُصْبِحَ مَخَافَةً أَنْ لَا يَحْفَظَهُ - فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِنْ ثُلثِي اللَّيْلِ إِلَى قَوْلِهِ عِلْمٌ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ يَقُولُ مَتَى يَكُونُ النُّصْفُ وَالثَّلْثُ نَسَخَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فَاقْرَؤْا مَا تَبَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَمْ يَأْتِ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا خَلَا بِصَلَاةِ اللَّيْلِ - وَلَا جَاءَ نَبِيٌّ قَطُّ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ

به نقل از ابو الجارود، در باره این سخن خداوند: پروردگار تو می‌داند که تو نزدیک به دو سوم شب یا نیمی از آن یا یک سوم آن را [به نماز] بر می‌خیزی-: امام باقر علیه السلام فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را می‌کرد و به مردم، بشارت آن را می‌داد و این کار بر آنان سخت بود. سخن خداوند: (خدا می‌داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید)، یعنی مرد بر می‌خواست؛ ولی نمی‌دانست کی نیمه شب است و کی دو سوم می‌شود، و کسی تا صبح بیدار می‌ماند از ترس این که مبادا [بیداری و نماز شب را] درک نکند. پس خداوند، این آیه را نازل فرمود: (پروردگار تو می‌داند که تو نزدیک به دو سوم شب ... بر می‌خیزی) تا این جا: (می‌داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید) یعنی می‌گوید: نصف شب و یک سوم شب، چه وقت می‌شود. این آیه با این سخن خداوند: (هر چه از قرآن می‌سر می‌شود، بخوانید) نسخ شد. بدانید که هرگز هیچ پیامبری نیامد، مگر این که تکلیف فردی نماز شب داشت و هیچ پیامبری هرگز نماز شب را برای اول شب نیاورد.

تفسیر القمی؛ ج ۲؛ ص ۳۹۲

آیه	تفسیر
نحل / ۵۳ و ما یُکِّمُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ و هر نعمتی که دارید از خداست	امام صادق علیه السلام فرمودند: مَا مِنْ عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَ أَنَّهَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَحْمَدَهُ. هر بنده‌ای که خداوند به او نعمتی داده اگر بفهمد که این نعمت از جانب خداست، خداوند قبل از آنکه برای آن نعمت از خدا تشکر کند او را مورد غفران و آمرزش خود قرار می‌دهد. الکافی / ج ۲ / ۴۲۷
	امام صادق علیه السلام فرمودند: مَنْ لَمْ يَرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصَرَ عَمَلُهُ وَ دَنَا عَذَابُهُ. و هر که برای خدا عز و جل نعمتی نشناسد جز در خوردن و نوشیدن و جامه پوشیدن، محققاً کردارش کم و کوتاه و عذابش نزدیک است. الکافی / ج ۲ / ۳۱۶

آیه	تفسیر
نمل ۴۰ هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّيَ سَلِيمَانَ كَفَت: این از فضل و احسان پروردگار من است	وَالْوَجْهُ الثَّالِثُ مِنَ الْكُفْرِ كُفْرُ النَّعْمِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى يَحْكِي قَوْلَ سُلَيْمَانَ ع- هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّيَ لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَ مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ و وجه سوم- از وجوه کفر: کفر به نعمت (یعنی کفران نعمت) است و این است گفتار خدای تعالی که از سلیمان حکایت کند که (فرمود): «این از فضل پروردگارم باشد تا مرا بیازماید که آیا شکر می کنم یا کفران ورزم، و آنکه شکر کند جز این نیست که برای خویشتن سپاس گزارد، و آنکه کفران کند همانا پروردگار من بی نیاز و گرامی است» الکافی / ج ۲ / ۳۹۰

عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْكَنْدِيِّ قَالَ: كُنَّا ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ عَلِيٍّ فَوَافَقَ النَّاسُ مِنْهُ طَيْبَ نَفْسٍ وَ مِزَاجٍ، فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَدِّثْنَا عَنْ أَصْحَابِكَ. قَالَ: عَنْ أَيِّ أَصْحَابِي تَسْأَلُونَنِي؟ قَالُوا: عَنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. قَالَ: كُلُّ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَصْحَابِي، فَعَنْ أَيِّهِمْ تَسْأَلُونَنِي؟ ...

قُلْنَا: فَحَدِّثْنَا عَنْ نَفْسِكَ قَالَ: مَهْلًا، نَهَانَا اللَّهُ عَنِ التَّرْكِيَةِ. [فَ] قَالَ لَهُ رَجُلٌ: فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ قَالَ: فَإِنِّي أُحَدِّثُ بِنِعْمَةِ رَبِّي. كُنْتُ وَ اللَّهُ إِذَا سَأَلْتُ أُعْطِيتُ، وَ إِذَا سَكَتُ ابْتَدَيْتُ، وَ إِنَّ تَحْتَ الْجَوَانِحِ مِنِّي عِلْمًا جَمًّا فَاسْأَلُونِي.

ابوعمر و کندی گفت: روزی در محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودیم، اطرافیان حضرت (علیه السلام) را سرحال و بانشاط دیده و عرض کردند: «ای امیرمؤمنان (علیه السلام)! با ما در مورد یارانت سخن بگو».

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «در مورد کدام یک از ایشان سؤال می کنید؟»

عرض کردند: «از یاران محمد (صلی الله علیه و آله)».

امام (علیه السلام) فرمود: «تمامی یاران [حقیقی] محمد (صلی الله علیه و آله) یاران من نیز هستند، در مورد کدام یک می پرسید؟ ...»

عرض کردیم: «در مورد خودت با ما سخن بگو». فرمود: «آرام باشید! خداوند ما را از خودستایی نهی فرموده است».

یک نفر به حضرت (علیه السلام) گفت: «خداوند می فرماید: وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ». حضرت (علیه السلام) فرمود: «من نیز نعمت های پروردگارم را بازگو می کنم. به خدا سوگند! هرگاه [از پیامبر (صلی الله علیه و آله)] سؤال می کردم، پاسخ می گرفتم و هرگاه سکوت اختیار می کردم، پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود شروع به سخن [و تعلیم من] می نمود. بدانید که در سینه ی من دانش فراوانی وجود دارد پس [هرچه می خواهید] از من سؤال نمایید.»

بحار الأنوار ؛ ج ۳۴ ؛ ص ۳۱۷

آیه	تفسیر
۱۱ ضعی آما بنعمه ربک فحدث و نعمت های پروردگارت را بازگو کن.	عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ فَضْلِ الْبَقْبَاقِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ قَالَ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْكَ بِمَا فَضَّلَكَ وَ أَعْطَاكَ وَ أَحْسَنَ إِلَيْكَ ثُمَّ قَالَ فَحَدِّثْ بِدِينِهِ وَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ وَ مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ. فضل بن بقباق گوید: از امام صادق علیه السلام قول خدای عز و جل را: «و امام نعمت پروردگارت را بازگو» پرسیدم، فرمود: یعنی آن کس که بدان چه بر تربت بخشیده و بتو عطا فرموده و احسان کرده بتو نعمت داده، سپس فرمود: دین او و آنچه بتو عطا فرموده و نعمت داده بازگو. الکافی / ج ۲ / ۹۴
	عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ قَالَ: رَأَيْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ يَطُوفَانِ بِالْبَيْتِ فَسَأَلْتُ ابْنَ عُمَرَ فَقُلْتُ قَوْلَ اللَّهِ - وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ قَالَ أَمْرُهُ أَنْ يُحَدِّثَ بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ إِنِّي قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ قَالَ أَمْرُهُ أَنْ يُحَدِّثَ بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ دِينِهِ. عمرو بن ابی نصر گفت: مردی از بصریها نقل کرد حسین بن علی علیه السلام و عبد الله بن عمر را دیدم طواف خانه کعبه میکردند از پسر عمر پرسیدم و اما بنعمه ربک فحدث معنی آن چیست. گفت: خداوند دستور میدهد که هر نعمتی بتو دادیم بازگو کن بمردم بعد همین سؤال را از حسین بن علی علیهما السلام کردم فرمود امر کرده که نعمت های دینی خود را ب دیگران بازگو کند. المحاسن / ج ۱ / ۲۱۸

آیه	تفسیر
ضحی ۱۱ اَوَّاهٌ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ و نعمت های پروردگارت را بازگو کن.	فَقَامَ خَطِيبًا فَحَمَدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ ذَكَرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نَبِيِّهِ وَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لَوْ لَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ مَا ذَكَرْتُ مَا أَنَا ذَاكِرُهُ فِي مَقَامِي هَذَا يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَ فَضْلِكَ الَّذِي لَا يُنْسَى امیرالمؤمنین علیه السلام به سخنرانی پرداخت و خطبه‌ای ایراد کرد. پس از حمد و ثنای الهی و نثار درود بر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) و بیان شمه‌ای از نعمت‌هایی که خداوند بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و او ارزانی داشت، چنین فرمود: «اگر این آیه در قرآن مجید نبود که خداوند می‌فرماید: وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ؛ افتخاراتی را که خدا نصیب من نموده و مقام‌هائی را که به من داده است بیان نمی‌کردم، ولی به جهت این گفته‌ی الهی سخن را آغاز می‌کنم». [ابتدا دست به دعا برداشت و گفت]: «پروردگارا تو را بر نعمت‌های بی‌شمارت و فضل بی‌کران و از یاد نرفتنی‌ات سپاسگزارم.» بشاره المصطفی لشيعه المرتضى / ج ۲ / ۱۲
	قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ثُمَّ قَالَ... قَوْلُهُ وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ قَالَ: بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ - وَ أَمَرَكَ بِهِ مِنَ الصَّلَاةِ - وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ بِمَا فَضْلَكَ اللَّهُ بِهِ علی بن ابراهیم (رحمه الله علیه): وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ؛ آنچه را که خداوند بر تو نازل فرمود و تو را بدان امر کرد یعنی نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و آنچه را که خداوند با آن به تو برتری بخشید، بازگو. تفسیر القمی / ج ۲ / ۴۲۸

آیه	تفسیر
ضمحی ۱۱ فَحَدَّثَ رَبِّكَ بِنِعْمَةٍ رَّابِعَةٍ وَعَلَىٰ رَأْسِهِ سِتْرَةٌ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَكِ الْكَبِيرِ وَمِنْ آيَاتِهِ دُخَانٌ مِّنْ ذُرِّيَّتِهِ لِيَسْخَرَ لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهًا وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ الْبَشَرِ مِنْ طِينٍ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ الْبَشَرِ مِنْ نَّسْلٍ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ الْبَشَرِ مِنْ نَّسْلٍ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ الْبَشَرِ مِنْ نَّسْلٍ	قَالَ الصَّادِقُ ع مَعْنَاهُ فَحَدَّثَ بِمَا أَعْطَاكَ اللَّهُ وَفَضَّلَكَ وَرَزَقَكَ وَأَحْسَنَ إِلَيْكَ وَهَدَاكَ. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدَّثَ»، یعنی: از آنچه خدا به تو بخشیده و برتری ات داده و روزی تو کرده است، همچنین از احسان خداوند و هدایت الهی که از آن برخوردارت ساخته است، سخن بگویی و یاد کن. تفسیر نور الثقلین / ج ۵ / ۶۰۱
	امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَيُحِبُّ أَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَىٰ عَبْدِهِ. خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد و دوست می‌دارد که آثار نعمت را بر بنده‌ی خویش ببیند. الکافی / ج ۶ / ۴۳۸
	امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: وَلَيْسَ عَلَيْكَ أَثَرُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ باید که دیده شود بر تو نشان آنچه خدا به تو انعام کرده است. نهج البلاغه / خطبه ۶۹

فِي احْتِجَاجِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَاصِمِ بْنِ زِيَادٍ حِينَ لَيْسَ الْعَبَاءُ وَ تَرَكَ الْمَلَاءُ وَ شَكَاهُ اخُوهُ الرَّبِيعُ بْنُ زِيَادٍ إِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَنَّهُ قَدْ غَمَّ أَهْلُهُ وَ أَخْرَجَ بَذْلَهُ بِذَلِكَ فَقَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ عَلِيُّ عَاصِمِ بْنِ زِيَادٍ فَجِئَ بِهِ فَلَمَّا رَأَاهُ عَبَسَ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ لَهُ أَمَا اسْتَحْيَيْتَ مَنْ أَهْلَكَ أَمَا رَحِمْتَ وَلَدَكَ أَمْ تَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَخْذَكَ مِنْهَا أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ أَمْ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ وَ الْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَالْكُهُ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ «۱» أَمْ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ. بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ إِلَى قَوْلِهِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ فَبِاللَّهِ لَا يَتَذَلَّ نَعَمَ اللَّهُ بِالْفَعَالِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ ابْتِدَالِهَا بِالْمَقَالِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ فَقَالَ عَاصِمُ يَا امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَى مَا اقْتَضَرْتَ فِي مَطْعَمِكَ عَلَى الْجُشُوءِ وَ فِي مَلْبَسِكَ عَلَى الْخُسُوفَةِ فَقَالَ وَيْحَكَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بَضْعَةَ النَّاسِ كَيْلًا يَتَبَيَّنَ بِالْفَقِيرِ فَقَرُّهُ فَالْقَى عَاصِمُ بْنُ زِيَادٍ الْعَبَاءَ وَ لَيْسَ الْمَلَاءُ.

از امیر المؤمنین علیه السلام راجع به احتجاج آن حضرت بر عاصم بن زیاد که عبا پوشیده و جامه نرم را از تن دور کرده روایت شده که برادرش ربیع بن زیاد شکایت او را به امیر المؤمنین نمود و گفت: با این روش خاندان خود را غمیده و فرزندان خود را اندوهناک ساخته. امیر المؤمنین فرمود: عاصم بن زیاد را نزد من بیاورید، او را آوردند چون او را دید روی بدو ترش کرد و به او فرمود: از خانواده خود شرم نکردی و به فرزندان رحمت نکردی، تو معتقدی که خدا طیبات را برای تو حلال کرده و نخواسته تو از آنها بری بگیری، تو در پیش خدا از این زیونتتری. آیا خدا نیست که فرموده (۱۰- ۱۱ سوره رحمان): «زمین را برای مردم بر نهادیم، در آن میوه است و نخل صاحب غنچه‌ها» آیا خدا نیست که می‌فرماید (۱۹ سوره رحمان): «آمیختند دو دریا و به هم برخوردند، میانشان برزخی است که به هم برنایند» تا آنجا که می‌فرماید: «از آنها لؤلؤ و مرجان بر آید» به خدا سوگند پذیرش نعمت‌های خدا به کردار نزد او دوست‌تر است از پذیرش آنها به گفتار (یعنی به ذکر و دعا) و خدا عز و جل فرموده (۱۱ سوره ضحی): «و اما به نعمت پروردگارت باز گو کن». عاصم عرض کرد: یا امیر المؤمنین پس چرا خود در خوراکت به طعام ناگوار و درشت اکتفاء کردی و در لباست به جامه زبر و درشت؟ فرمود: وای بر تو به راستی خدا بر امامان عادل لازم کرده خود را با مردم مستمند و ناتوان اندازه گیرند تا فقر بر درویش بی‌نوا چیره نگردد. عاصم بن زیاد عباى مؤئین را افکند و جامه نرم در بر کرد.

الکافی ؛ ج ۱ ؛ ص ۴۱۰

آیه	تفسیر
ضمی ۱۱ اَوَّ اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ و نعمت های پروردگارت را بازگو کن.	ابن عباس: اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ اَظْهَرَ الْقُرْآنَ وَ حَدَّثَهُمْ بِمَا اَنْعَمَ اللهُ بِهِ عَلَيْكَ. (- اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ؛ قرآن را آشکار کن و در مورد نعمتی که خداوند به تو ارزانی داشته، سخن بگو. بحار الأنوار / ج ۳۵ / ۴۲۵
	امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: خُلِقَتِ الْأَرْضُ لِسَبْعَةٍ بِهِمْ يُرْزَقُونَ وَ بِهِمْ يُنْصَرُونَ وَ بِهِمْ يُمَطَّرُونَ [و بِهِمْ يُنْتَظَرُونَ وَ هُمْ] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ عَمَّارُ [بْنُ يَاسِرٍ] وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ مَقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ حَذِيفَةُ وَ اَنَا اِمَامُهُمُ السَّابِعُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ [هُؤُلَاءِ الَّذِينَ صَلَّوْا عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع وَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ] زمین به خاطر هفت نفر خلق شده که مردم به واسطه‌ی آنان رزق و روزی داده می‌شوند و باران برای آنان می‌آید و یاری می‌شوند. [آن هفت نفر عبارتند از]؛ ابوذر، سلمان، مقداد، عمار، حذیفه و عبدالله بن مسعود (حضرت امیر (علیه السلام) می‌فرماید: «من امام آنان هستم، ایشان بودند که بر بدن فاطمه (سلام الله علیها) نماز خواندند.» تفسیر فرات الکوفی / ص ۵۷۰

آیه	تفسیر
۱۱ ضحی فَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ و نعمت های پروردگارت را بازگو کن.	امام صادق علیه السلام فرمودند: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ فَظَهَرَتْ عَلَيْهِ سُمِّيَ حَبِيبَ اللَّهِ مُحَدَّثًا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَإِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَلَمْ تَظْهَرْ عَلَيْهِ سُمِّيَ بَغِيضَ اللَّهِ مُكَذِّبًا بِنِعْمَةِ اللَّهِ. هنگامی که خداوند بر بندهی خود نعمتی ارزانی کند و [آثار و نشانه های] آن نعمت در او آشکار شود، چنین بنده ای را محبوب خدا و بازگو کننده ی نعمت هایش نامند و هنگامی که خداوند بر بنده ی خود نعمتی ارزانی کند و [آثار و نشانه های] آن نعمت در او آشکار نشود چنین بنده ای را دشمن خدا و انکارکننده ی نعمت هایش می نامند. الکافی / ج ۶ / ۴۳۸
	امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: أَحْسِنُوا صُحْبَةَ النَّعْمِ قَبْلَ فَوَاتِهَا فَإِنَّهَا تَزُولُ وَ تَشْهَدُ عَلَى صَاحِبِهَا بِمَا عَمِلَ فِيهَا پیش از آنکه نعمتها نابود (و زایل) شوند با آنها خوش برخورد باشید. زیرا آنها بروند و گواه رفتاری باشند که صاحبشان با آنها کرده است. تحف العقول / النص / ۱۰۷

آیه	تفسیر
۱۰ اَوَّابًا يُعْمَلُ بِهِ خَالِدًا ابْنُ جَدْرٍ	لَقِيتُ النَّاسَ يَتَحَدَّثُونَ أَنَّ الْعَرَبَ كَانَتْ تَقُولُ إِنَّ يَبْعَثُ اللَّهُ فِينَا نَبِيًّا يَكُونُ فِي بَعْضِ أَصْحَابِهِ سَبْعُونَ خَصْلَةً مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَظَنُّوا وَ فَتَشُّوا هَلْ يَجْتَمِعُ عَشْرُ خَصَالٍ فِي وَاحِدٍ فَضَلًا عَنْ سَبْعِينَ... فَلَمْ يَجْتَمِعْ فِي أَحَدٍ خَصَالِ مَجْمُوعَةٍ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِالْأَضْطِرَارِ عَلَيَّ مَا أَحْبُّوا وَ كَرَهُوا إِلَّا فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) ... طَعَامُهُ أَذْنَى مَا تَأْكُلُ الرَّعِيَّةُ وَ لِبَاسُهُ أَذْنَى مَا يَلْبَسُ أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.. ثُمَّ اللَّبَاسُ اسْتَعْدَى زِيَادُ بْنُ شَدَّادٍ الْحَارِثِيُّ صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى أَخِيهِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ شَدَّادٍ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ذَهَبَ أَخِي فِي الْعِبَادَةِ وَ اِمْتَنَعَ أَنْ يُسَاكِنَنِي فِي دَارِي وَ لَيْسَ أَذْنَى مَا يَكُونُ مِنَ اللَّبَاسِ «۲» قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ تَزَيَّنْتَ بِزِينَتِكَ وَ لَبِسْتَ لِبَاسَكَ قَالَ لَيْسَ لَكَ ذَلِكَ إِنَّ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ إِذَا وَلِيَ أُمُورَهُمْ لَيْسَ لِبَاسُ أَذْنَى فَقِيرِهِمْ لَثَلَا يَتَبَيَّعُ بِالْفَقِيرِ فَقَرُهُ فَيَقْتُلَهُ «۳» فَلَا عَلَمَ مَا لَبِسْتَ إِلَّا مِنْ أَحْسَنِ زِيَّ قَوْمِكَ وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ فَالْعَمَلُ بِالنِّعْمَةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْحَدِيثِ بِهَا علی بن اسباط از چند نفر از اصحاب ابن دأب [ابوالولید عیسی بن یزید بن بکرا بن دأب؛ هم عصر امام صادق و امام کاظم (علیها السلام)] نقل کرده است: ... دیدم مردم چنین می گویند: «عرب ها [در گذشته] اعتقاد داشتند: «اگر خداوند پیامبری را در میان ما مبعوث کند برخی از یارانش هفتاد ویژگی از صفات نیکوی دنیا و آخرت را خواهند داشت»؛ بر همین اساس دقت و بررسی کردند تا ببینند آیا ده ویژگی در یک نفر [از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله)] جمع می گردد چه برسد به هفتاد ویژگی؟! و [چون فکر نمی کردند یک نفر به تنهایی دارای ویژگی هایی باشد که همه اش نیکو و مثبت باشد] به ناچار هر ویژگی که [به نظرشان می آمد و آن را] می پسندیدند یا نمی پسندیدند در نظر گرفتند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که جز علی بن ابی طالب (علیه السلام) کسی دیگر دارای صفات نیکوی دنیا و آخرت نیست...؛ [برخی از ویژگی های حضرت (علیه السلام) این بود]؛ خوراکی ای که علی (علیه السلام) استفاده می کرد ساده ترین غذایی بود که مردم عادی می خوردند و لباسی که می پوشید ساده ترین لباسی بود که یکی از مسلمانان می پوشید... اما لباس پوشیدن حضرت (علیه السلام)؛ زیاده بن شداد حارثی که از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود در مورد برادرش عبدالله بن شداد از علی (علیه السلام) یاری خواست و گفت: «ای امیر مؤمنان (علیه السلام)! برادرم فقط به عبادت می پردازد و از اینکه با من در خانه ام سکونت گزیند، دوری کرده و ساده ترین لباسی که یافت می شود را بر تن کرده است». برادرش عرض کرد: «ای امیر مؤمنان (علیه السلام)! من خودم را همچون شما آراسته و همچون شما لباس پوشیده ام». امام (علیه السلام) فرمود: «تو چنین حقی [و وظیفه ای] نداری، هنگامی که پیشوای مسلمانان، متولی امور آنها می شود باید همچون فقیرترین ایشان لباس بپوشد تا فقر بر آن فقیر فشار نیاورده و هلاکش نسازد. من به خوبی می دانم

آیه	تفسیر
۱۱ ضحی وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن.	که تو بهترین لباس‌های قبیله‌ات را پوشیده‌ای [با این حال تظاهر به ساده زیستی می‌کنی]، و اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ؛ بدان که نزد من استفاده کردن از نعمت‌ها محبوب‌تر از سخن راندن از آن‌هاست.» الإختصاص / ۱۵۲

آیه	تفسیر
آل عمران / ۱۳۴ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.	امام هادی (علیه السلام) در فرازی از زیات امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر عرضه می‌دارند: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ أَوَّلَ الْعَابِدِينَ وَ أَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ أَنْتَ مُطْعَمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نَطْعُمُكَمُ لَوْجَهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا وَ فَبِكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ أَنْتَ الْكَاطِمُ لِلْغَيْظِ وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ سلام و رحمت خداوند و برکات او و درود او و تحیات او بر تو ای امیرمؤمنان و سرور جانشینان و اولین عبادت‌کنندگان و زاهدترین زاهدان! تو غذای خود را با اینکه به آن علاقه و نیاز داری به خاطر خدا به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهی و هیچ پاداش و سپاسی از آن‌ها نمی‌خواهی و تو فروبرنده خشم خود و درگذرنده از خطای مردم هستی و اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. المزار (لشهادت الاول) / / ۷۸ / زیارة يوم الغدير

آیه	تفسیر
آیه ۶۰ الرحمن بجز احسان است؟	فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ قَالَ عَلِيٌّ ع سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ مَا جَزَاءُ مَنْ أَنْعَمْتُ عَلَيْهِ بِالتَّوْحِيدِ إِلَّا الْجَنَّةُ. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی آیه‌ی هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ، فرمود: «خداوند عزوجل فرموده است: پاداش کسی که نعمت توحید را به او ارزانی داشته‌ای، چیزی جز بهشت نیست.» التوحيد (للصدوق) / ۲۸
	امام صادق (علیه السلام) فرمودند: لَعَنَ اللَّهُ قَاطِعِي سَبِيلِ الْمَعْرُوفِ وَ هُوَ الرَّجُلُ يُصْنَعُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ فَيَكْفُرُهُ فَيَمْنَعُ صَاحِبَهُ مِنْ أَنْ يَصْنَعَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ : لعنت خدا بر آنکه راه کار خیر را بندد و آن کسی است که باو احسان شود و او ناسپاسی کند و مانع شود که به دیگری خیری رساند. الإختصاص / النص / ۲۴۱
	رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: يَا عَلِيُّ أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عُقُوبَةً رَجُلٌ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ فَكَافَأَكَ بِالْإِحْسَانِ إِسَاءَةً ... چهار چیز است که کیفری زودرس دارد مردی که در باره‌اش نیکی کنی و او تو را جزای بد دهد... من لا يحضره الفقيه / ج ۴ / ۳۵۵

آیه	تفسیر
است؟ جز احسان، بزرگوار آیا یادش إِلَّا الْإِحْسَانُ ۴۰. الرحمن هل جزاء الإحسان	امام رضا علیه السلام فرمودند: أَمَّا بَعْدُ إِنَّ أَوَّلَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ وَأَوْجَبَ عَلَى خَلْقِهِ مَعْرِفَةَ الْوَحْدَانِيَّةِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ يَقُولُ مَا عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ نَرَوِي عَنْ بَعْضِ الْعُلَمَاءِ ع أَنَّهُ قَالَ فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ مَا جَزَاءُ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَعْرِفَةِ إِلَّا الْجَنَّةُ وَ أَرَوِي أَنَّ الْمَعْرِفَةَ التَّصَدِيقُ وَ التَّسْلِيمُ وَ الْإِخْلَاصُ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ اولین چیزی که خداوند بر بندگان واجب کرد و بر خلقش حتمی نمود شناخت یگانگی [خدا] است. خدای تبارک و تعالی فرمود: «خدا را آن گونه که باید بشناسند، نشناختند». می فرماید: «خداوند را آن گونه که شایسته‌ی شناخت اوست نشناختند». [راوی می گوید]: از بعضی از امامان (علیهم السلام) روایت می کنیم که در تفسیر آیه: هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ، فرمود: «جزای کسی که خداوند به وسیله‌ی معرفت به او نعمت داده است جز بهشت نیست و روایت می کنم که معرفت، تصدیق و تسلیم شدن و اخلاص در نهان و آشکار است و روایت می کنم که حق معرفت [و شناخت واقعی] آن است که [خدا را] اطاعت کند و معصیت نکند و شکرگزار باشد و کفر نوردد». الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام / ۶۵ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ : آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ مُسَجَّلَةٌ: قُلْتُ وَ مَا هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» جَرَتْ فِي الْكَافِرِ وَ الْمُؤْمِنِ وَ الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ مَنْ صَنَعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَعَلَيْهِ أَنْ يُكَافِيَ بِهِ. وَ لَيْسَ الْمُكَافَأَةُ أَنْ يَصْنَعَ كَمَا صَنَعَ حَتَّى يَرِبَّيْ، فَإِنْ صَنَعْتَ كَمَا صَنَعَ كَانَ لَهُ الْفَضْلُ بِالْإِتْدَاءِ. از حسن بن سعید از عثمان بن عیسی از علی بن سالم روایت کرده که گفت: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که می فرمود: آیه‌ای در کتاب خدا محکم و مسجل است، گفتم آن کدام است؟ فرمود: قول خدای تعالی (هل جزاء الإحسان إلا الإحسان) جاری شده در کافر و مؤمن و نیکوکار و تبهکار و کسی که کار و خدمت خوبی باو شود بر اوست که تلافی کند باو و تلافی و جبران این نیست که آنچه او کرده این بکند تا آنکه فرونی و برتری یابد، پس اگر کردی چنان که او کرد برتری و فضیلت برای اوست، که او اول شروع کرده است. البرهان فی تفسیر القرآن / ج ۵ / ۲۴۶

آیه	تفسیر
آعارف ۳۱ کُلوْا و اشْرَبُوْا و لا تُسْرِفُوْا بخورید و بیاشامید و اسراف نکند	قَالَ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ لِابْنِهِ الْحَسَنِ ع يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى قَالَ لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَجُودَ الْمَضْغِ وَإِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ وَقَالَ إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَآيَةً تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ كُلُّوْا وَاشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا اصبغ بن نباته گوید: شنیدم امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پسر جانم چهارکلمه به تو بیاموزم که به وسیله آن‌ها از طب بی‌نیاز شوی؟ گفت: «چرا؟» فرمود: «بر سر غذا منشین جز اینکه گرسنه باشی! از کنار سفره غذا برنخیز جز هنوز اشتها داری، خوب بچو، هنگام خواب سر قدم برو، چون این چهار را مراعات کنی از طب و دواء بی‌نیازی. فرمود: «در قرآن آیه‌ایست که همه‌ی طب را دارد؛ کُلوْا وَ اشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا. بحار الأنوار / ج ۵۹ / ۲۶۷»
	عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَذْنِي مِمَّا يَجِيءُ مِنْ حَدِّ الْإِسْرَافِ فَقَالَ ابْتَذَلِكَ ثَوْبٌ صَوْنِكَ وَ إِهْرَاقُكَ فَضْلَ إِيَّائِكَ وَ أَكْلُكَ التَّمْرَ وَ رَمِيكَ النَّوَى هَاهُنَا وَ هَاهُنَا. سلیمان بن صالح گوید: به امام صادق عرض کردم: «حداقل میزان اسراف که از آن نهی شده است، چیست؟» فرمود: «اینکه لباس مهمانی‌ات را که آبروی تو را حفظ می‌کند، در غیر مهمانی [برای کار] بیوشی و دور ریختن بقیه‌ی آب لیوان و خوردن خرما و دور انداختن هسته‌های آن به این طرف و آن طرف».

و قوله: لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ قَالَ: فَإِنَّ بُحْرًا كَانَ مِنْ بَيْنَ وَكَانَ سُلَيْمَانُ أَمْرًا جُنُودَهُ أَنْ يُجْرُوا لَهُمْ خَلِيجًا - مِنَ الْبَحْرِ الْعَذْبِ إِلَى بِلَادِ الْهِنْدِ فَفَعَلُوا ذَلِكَ - وَ عَقَدُوا لَهُ عُقْدَةً عَظِيمَةً مِنَ الصَّخْرِ وَ الْكَلَسِ - حَتَّى يُفِيضَ عَلَى بِلَادِهِمْ، وَ جَعَلُوا لِلْخَلِيجِ مَجَارَى - فَكَانُوا إِذَا أَرَادُوا أَنْ يُرْسِلُوا مِنْهُ الْمَاءَ أَرْسَلُوهُ بِقَدَرِ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ - وَ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ - عَنْ مَسِيرَةِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فِيهَا يَمُرُّ الْمَاءُ - لَا يَفُغُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ مِنَ التَّفَافِهِمَا - فَلَمَّا عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي وَ عَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَ نَهَاهُمْ الصَّالِحُونَ - فَلَمْ يَنْتَهُوا بَعَثَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ السَّدَّ الْجُرَدَ - وَ هِيَ الْفَارَةُ الْكَبِيرَةُ - فَكَانَتْ تَقْلَعُ الصَّخْرَةَ الَّتِي لَا يَسْتَقِيلُهَا الرَّجُلُ وَ يَرْمِي بِهَا، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ قَوْمٌ مِنْهُمْ هَرَبُوا وَ تَرَكُوا الْبِلَادَ - فَمَا زَالَ الْجُرْدُ يَقْلَعُ الْحَجَرَ حَتَّى خَرَبُوا ذَلِكَ السَّدَّ فَلَمْ يُشْعِرُوا حَتَّى غَشِيَهُمُ السَّبِيلُ وَ خَرَّبَ بِلَادَهُمْ - وَ قَلَعَ أَشْجَارَهُمْ وَ هُوَ قَوْلُهُ: لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ إِلَى قَوْلِهِ سَبِيلَ الْعَرَمِ عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ (لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ، دِرْيَايِي در یمن بود و حضرت سلیمان (به لشکریان خود دستور داد تا برای او، از آن دریا که آب گوارایی داشت تا سرزمین هند، خلیجی احداث کنند. آنان چنین کردند و بر سر راه آن، سد بزرگی از صخره و ساروج درست کردند تا آب در آن پر شده و به سرزمینشان بریزد و برای آن خلیج کانال‌هایی قرار دادند و هرگاه می‌خواستند که از راه آن، آب بفرستند، به اندازه‌ی نیاز خودشان آب را گسیل می‌داشتند و برای آنان در دوطرف راست و چپ، دو باغ بود که در مسیری که پیمودن آن ده روز طول می‌کشید، قرار داشت و آن باغ چنان از درختان و گیاهان پوشیده شده بود که اگر کسی از آن عبور می‌کرد، نور خورشید به او نمی‌رسید؛ اما چون آنان مرتکب معصیت شدند و از فرمان پروردگارشان سرکشی نمودند و افراد صالح، آنان را نهی نموده، اما به حرف آنان گوش نکردند، خداوند، جُرَدَ که موش بزرگی بود را به‌سوی آن سد فرستاد و آن موش، صخره‌هایی که یک مرد قادر به کندن آن نیست را از جا می‌کند و آن را پرتاب می‌نمود. پس چون آن قوم، این صحنه را دیدند، گریختند و سرزمین خود را ترک گفتند. پس آن موش همچنان سنگ‌ها را می‌کند تا آنکه آن سد را تخریب نمود و درحالی‌که اطلاع نداشتند، سیل آنان را در برگرفت و سرزمینشان را از بین برد و درختان آنان را از جا کند و این همان است که فرمود: لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ ... سَبِيلَ الْعَرَمِ.

تفسیر القمی / ج ۲ / ۲۰۰

آیه	تفسیر
طه ۱۴ اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي یاد من نماز به یاد	امام باقر علیه السلام فرمودند: إِذَا فَاتَتْكَ صَلَاةٌ فَذَكَّرْتَهَا فِي وَقْتٍ أُخْرَى فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ كُنْتَ مِنَ الْأُخْرَى فِي وَقْتٍ فَابِدًا بِالَّتِي فَاتَتْكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِي وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ الَّتِي بَعْدَهَا فَابِدًا بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا فَصَلِّهَا ثُمَّ أَقِمِ الْأُخْرَى. ابو جعفر باقر (ع) گفت: اگر وقت نماز جدیدی داخل شود و به خاطر بیاوری که نماز قضا بر عهده داری، باید تأمل کنی و ببینی: اگر بعد از خواندن نماز قضا، وقت کافی برای این نماز جدید باقی می ماند، ابتدا نماز قضا را بخوان زیرا که خداوند عز و جل می گوید: «موقعی که به خاطرت آوردم نمازت را بخوان» و اگر بعد از خواندن نماز قضا، وقت کافی برای این نماز جدید نمی ماند، ابتدا همین نماز جدید را بخوان که وقت ویژه آن نگذرد، بعد از آن نماز قضایت را بخوان. الکافی / ج ۳ / ۲۹۳
	از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند: من نسی صلوةً فليصلها إذا ذكرها لا كفارة لها غير ذلك و قرأ أقيم الصلاة لذكري. کسی که نماز را فراموش کرد وقتی یادش افتاد نماز را بخواند. گفاره ای غیر از این بر عهده او نیست و سپس این آیه را قرائت فرمود. تفسیر الصافی / ج ۳ / ۳۰۳

آیه	تفسیر
مادر از پدر و سپس او را به جا میرساند و والدین شکر را از او تلقین	امام رضا علیه السلام فرمودند: عَلَيْكَ بِطَاعَةِ الْآبِ وَرَبِّهِ وَالتَّوَاضُّعِ وَالْخُضُوعِ وَالْإِعْظَامِ وَالْإِكْرَامِ لَهُ وَخَفْضِ الصَّوْتِ بِحَضْرَتِهِ فَإِنَّ الْآبَ أَصْلُ الْإِبْنِ وَالْإِبْنُ فَرْعُهُ لَوْلَاهُ لَمْ يَكُنْ بِقُدْرَةِ اللَّهِ أَبْدَلُوا لَهُمُ الْأَمْوَالَ وَالْجَاهَ وَالنَّفْسَ وَقَدْ أَرَوْنِي أَنْتَ وَمَالِكٌ لِأَبِيكَ فَجَعَلَتْ لَهُ النَّفْسُ وَالْمَالُ تَابِعِيهِمْ فِي الدُّنْيَا أَحْسَنَ الْمَتَابِعَةِ بِالْبِرِّ وَبَعْدَ الْمَوْتِ بِالْإِعْثَاءِ لَهُمْ وَالرَّحْمَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ رَوَى أَنَّ مَنْ بَرَّ آبَاهُ فِي حَيَاتِهِ وَلَمْ يَدْعُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ سَمَاءَهُ اللَّهُ عَاقِبًا وَمُعَلِّمَ الْخَيْرِ وَالدِّينِ يَقُومُ مَقَامَ الْآبِ وَيَجِبُ مِثْلُ الَّذِي يَجِبُ لَهُ فَأَعْرِفُوا حَقَّهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ حَقَّ الْأُمِّ الزُّمُّ الْحَقُوقِ وَأَوْجِبُهَا لِأَنَّهَا حَمَلَتْ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَوَقْتُ السَّمْعِ وَالْبَصَرِ وَجَمِيعِ الْجَوَارِحِ مَسْرُورَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِذَلِكَ فَحَمَلَتْهُ بِمَا فِيهِ مِنَ الْمَكْرُوهِ وَالَّذِي لَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ وَرَضِيَتْ بِأَنْ تَجُوعَ وَيَشْبَعَ وَلَدُهَا وَتَظْمَأَ وَيَرَوَى وَتَعْرِىَ وَيَكْتَسِي وَيَظِلَّ وَتَضْحَى فَلْيَكُنِ الشُّكْرُ لَهَا وَالْبِرُّ وَالرَّفْقُ بِهَا عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَإِنْ كُنْتُمْ لَا تَطِيقُونَ بِأَدْنَى حَقِّهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَقَّهَا بِحَقِّهِ فَقَالَ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ بر تو باد فرمانبری از پدر و نیکی به او؛ تواضع و خشوع و احترام به او؛ و صدا پابین آوردن در حضور او؛ زیرا پدر اصل پسر است و پسر فرع او؛ اگر او نبود، خدا به پسر قدرت نمی داد. پس، در راه آنان مال و جاه و جان را فدا کن. روایت می کنم که: تو و مالت از آن پدرت هستی؛ جان و مال را برای او قرار می دهی. در دنیا به بهترین شکلی به آنان نیکی کن. پس از مردن آن ها برایشان دعا کنید و برایشان رحمت بخواهید؛ زیرا روایت است که هرکس به پدرش در حیات او احسان کند و پس از مردنش برایش دعا نکند، خدا او را عاق می نامد. معلم خیر و مسائل دین، به جای پدر است، و همانند حق او را دارد؛ پس حق او را بشناسید؛ و بدان که حق مادر واجب ترین و لازم ترین حق است، زیرا در آنجا که کسی دیگری را بر نمی دارد، تو را حمل کرده است؛ با گوش و دیده و همه اندام خود از تو نگهداری کرده، درحالی که به آن شاد و خرم بوده؛ و همه ناگواری هایی را که کسی تاب آن ها را نمی آورد، تحمل کرده است. راضی بوده خودش گرسنه باشد و فرزندش سیر، و خودش تشنه باشد و او سیراب، و خود برهنه باشد و او در جامه؛ خود در برابر آفتاب باشد و او در سایه؛ و باید تا می توانی به همان اندازه با نیکی و نرمش از او تشکر کنی، اگر چه طاقت ادای حقش را نداری، جز با کمک خدا؛ و خدای عز و جل حق او را قرین حق خود ساخته، چون فرمود: اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام / ۳۳۴ / ۸۶ باب حق الوالد علی ولده

آیه	تفسیر
نعمان ۱۴ ان اشكر لى و لوالديك شكر مرا به جا آور و سپس از پدر و مادرت سپاسگزارى كن	امام صادق عليه السلام فرمودند: بِرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ حُسْنِ مَعْرِفَةِ الْعَبْدِ بِاللَّهِ تَعَالَى إِذْ لَا عِبَادَةَ أَسْرَعُ بُلُوغًا لَصَاحِبِهَا إِلَى رِضَاءِ اللَّهِ مِنْ بِرِّ الْوَالِدَيْنِ الْمُؤْمِنِينَ لَوَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى لِأَنَّ حَقَّ الْوَالِدَيْنِ مُشْتَقٌّ مِنْ حَقِّ اللَّهِ تَعَالَى إِذَا كَانَا عَلَى مِنْهَاجِ الدِّينِ وَالسُّنَّةِ «نیکی به والدین از شناخت درست بنده نسبت به خدا مایه می گیرد، زیرا هیچ عبادتی زودتر از احترام به پدر و مادر مسلمان که برای خدای تعالی باشد، به رضای خدا نمی رسد؛ زیرا حق والدین از حق خدای تعالی گرفته شده اگر در راه دین و سنت باشند» مصباح الشریعة / ۷۰ / الباب الواحد و الثلاثون فی بر الوالدین
	عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ وَ سَأَلَهُ جَابِرٌ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع زیاد بن منذر گوید: شنیدم جابر از امام باقر (علیه السلام) در مورد آیه: اشکر لی و لوالدیک پرسید؛ امام (علیه السلام) فرمود: [منظور] پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی بن ابی طالب (علیه السلام) می باشد. تفسیر فرات الکوفی / / ۳۲۵

آیه	تفسیر
لَقَدْ نَزَّلْنَا ۱۴ أَنْشُكْرَ لِي وَ لَوْلَا ذِيكَ شُكْرٌ مَرَّ بِهِ جَا أَوْرَ وَسِيسٍ اَزْ يَدْرِ وَ مَادَرْتِ سپاسگزاری کن	عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ شَهِدْتُ جَابِرَ الْجُعْفَى عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ وَ هُوَ يُحَدِّثُ النَّاسَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلِيًّا عِ الْوَالِدَانِ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ وَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ مِمَّا الَّذِي أَحَلَّ الْخُمْسَ وَ مِمَّا الَّذِي جَاءَ بِالْصَّدَقِ وَ مِمَّا الَّذِي صَدَّقَ بِهِ وَ لَنَا الْمَوَدَّةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ عَلِيٌّ وَ رَسُولُ اللَّهِ صِ الْوَالِدَانِ وَ أَمَرَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهُمَا بِالشُّكْرِ لَهُمَا روایت شده از عبد الله بن سلیمان که من حاضر بودم با جابر جعفی نزد امام باقر علیه السلام که حدیث می فرمود: آنکه خمس را حلال کرد، از ماست و آنکه سخن راست آورد، از ماست و آنکه آن سخن را تأکید کرد، از ماست و در کتاب خدای عز و جل، مودت از آن ماست و علی و رسول خدا (علیها السلام) الوالدان هستند که خداوند به ذریه ایشان امر کرده که سپاسگزار آن دو باشند. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة / ۴۲۹
	امام باقر علیه السلام فرمودند: نَزَّلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ فِي عَلِيٍّ علیه السلام این آیه درباره ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) نازل شده است. البرهان في تفسير القرآن / ج ۴ / ۳۷۲

آیه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ بِالصَّبْرِ مَعَ الْبَقِيَّةِ فَافْعَلْ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكَرَّهُ خَيْرًا كَثِيرًا وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَأَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. اگر توانائی داری که برای خدای عزوجل عملی انجام دهی به خشنودی و یقین انجام ده و اگر نمی توانی پس همانا در شکیبائی بر آنچه را که خوش نداری بهره ای فراوان است زیرا که یاری کردن با شکیبائی است و نجات با غم ها این مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ سُيْلٍ عَنْ رَجُلٍ خَبِيثٍ قَدْ لَقِيَ مِنْهُ جُهْدًا هَلْ تَرَى مُكَاشَفَتَهُ أَمْ مُدَارَاتِهِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ الْمُدَارَاةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْمُكَاشَفَةِ وَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ در مورد مردی که بدزبان بود سؤال شد که: «بفرمایید او را در بین مردم رسوا کنیم یا با او مدارا کنیم؟» امام باقر (علیه السلام) فرمود: «مدارا کردن بهتر از رسوا کردن است؛ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا و پایانی نیک برای پرهیزگاران است.» مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار / النص / ۳۱۹ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ امْرَأَةً اسْتَعْدَتْ عَلَى زَوْجِهَا أَنَّهُ لَا يُنْفِقُ عَلَيْهَا وَكَانَ زَوْجُهَا مُعْسِرًا فَأَبَى عَلِيٌّ ع أَنْ يَحْبِسَهُ فَقَالَ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. سکونی از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام روایت می کند که فرمود: «زنی علیه شوهرش به امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد که وی نفقه او را نمی پردازد و شوهر آن زن مفلس بود؛ از این رو علی علیه السلام از بازداشت کردن او خودداری کرد و این آیه را تلاوت کرد: «پس حتماً همراه سختی، آسانی هست.» تهذيب الأحكام (تحقیق خراسان) / ج ۷ / ۴۵۴	تفسیر	است. النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ يُسْرًا انشار
--	--------------	--

برای آیات زیر تفسیر روایی خاصی یافت نشد:

- * واقعه/۷۵ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ
* سبأ ۱۱ وَاعْمَلُوا صَالِحاً وَ
* بقره ۲۵۰ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا
* کهف ۱۰ رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
- ما شما را آفریدیم
[به داوود و خانواده اش گفتیم] کار شایسته کنید. (برای این قسمت از آیه تفسیر خاصی یافت نشد)
پروردگارا، بر [دل‌های] ما صبر فرو ریز. (برای این قسمت از آیه تفسیر خاصی یافت نشد)
پروردگار ما! از جانب خود به ما رحمتی بخش (برای این قسمت از آیه تفسیر خاصی یافت نشد)

